



«آینه جادو» نام مجموعه‌ای ۳ جلدی است که در آن می‌توان با مبانی نظری سید شهیدان اهل قلم در باب سینما آشنا شد. ماده اولیه مباحث کتاب، جزوهای دانشگاهی بوده که برای یک ترم تدریس در مجتمع دانشگاهی هنر، توسط وی فراهم شده بود که بعدها به صورت کنونی بسط پیدا کرده است. این کتاب شامل اساسی‌ترین نظریات آوینی درباره سینما، هنر، جامعه، دین، غرب و روشنفکران و… است. وقت گذاشتن برای سینما بدون خواندن آینه جادو که من آن را سئانس (رجوع به پی‌نوشت) ویژه آوینی نام نهادام، شاید درک و فهمی برای بودن سینما بتوان در کتاب آینه جادو از هر موضوع گوشه‌ای یافت؛ از فلسفه و عرفان و جامعه‌شناسی گرفته تا سینما و تلویزیون و مارشال مک لوهان و پلنگ صورتی و… و یا شاید هم روح خستگی‌ناپذیر آوینی است که آزادانه به هر جایی سرک کشیده است. آوینی در جلد اول کتاب آینه‌های جادو بیشتر به بررسی روابط و بنیان‌های ساختاری سینما می‌پردازد و در گوشه‌هایی از آن هم بنیان‌های فکری خود را بیان می‌کند. برای نمونه او در «فصل دوم» همین کتاب می‌گوید: «تقلید از غرب بر ما روا نیست، چرا که تاریخ ما در امتداد تاریخ غرب نیست؛ اگر چه سینما یکی از دستاوردهای غربی است لکن در نزد ما و با سیر تاریخی‌ای که با انقلاب آغاز شده است، «صورت» دیگری متناسب با اعتقادات ما خواهد پذیرفت. درست است که «زبان سینما» یا «بیان مفاهیم سینما» قواعد ثابتی فراتر از غرب و شرق دارد اما باز هم نمی‌توانیم مقلد غرب باشیم و باید خودمان به اجتهاد برسیم و سینما را بار دیگر در ادب و فرهنگ اسلام معنا کنیم». او مونتاژ را به مثابه معماری سینما معنا می‌کند و می‌گوید: «فضا و مکان در سینما ماهیتی مجرد، مطلق و آرمانی دارد.» به اعتقاد آوینی از آنجا که در سینما از «زمان» فقط به کیفیت باطنی آن توجه می‌شود، کاملاً معقول و مقبول است اگر لحظه‌ای به قدر یک ساعت وسعت پیدا کند. کیفیت باطنی زمان، همان

می‌کند؟ آیا فیلمساز از صلاحیت اظهار نظر کردن در همه موارد برخوردار است؟ آیا سینما «بازآفرینی واقعیت» است؟ چگونه می‌توان سینما را مسلمان کرد؟ و «فیلم مستند و تفاوت‌های آن با فیلم داستانی»، «نسبت میان تماشاگر و دوربین»، «خصوصیات بیانی سینما با توجه به قالب تصویر»، «مفهوم حرکت»، «حکمت مونتاژ» و…

جلد دوم آینه جادو که بیشتر به تحلیل مصداقی پرداخته، در بردارنده تمام نقد فیلم‌هایی است که سیدمرتضی آوینی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ نگاشته است؛ به اضافه ۲–۳ مقاله سینمایی دیگر. این نقدها شامل فیلم‌های مهم جشنواره نهم، دهم و یازدهم فجر می‌شود. ضمن آنکه ۲ مقاله ابتدای کتاب هم با تأکید بر فیلم‌های جنگی به نمایش درآمده در جشنواره هفتم نوشته شده‌اند. ۲ مقاله پی در پی هم که در زمان اکران عمومی فیلم «هامون» نوشته شده است و یک نقد درباره فیلم «مهاجر» در کنار یادداشت‌های جشنواره هشتم قرار دارد. به جز اینها، بقیه مقالات، یکی همان نام معروف به ابراهیم حاتمی‌کیاست با عنوان «نامه‌ای به دوست زمان جنگ»، دیگری یادداشتی شاعرانه درباره مجموعه تلویزیونی «قصه‌های مجید» و ۲ نقد بر فیلم‌های خارجی «زیر آسمان برلین» و «رقصنده با گرگ‌ها». البته در این کتاب غرب‌ستیزی و روشنفکرگریز بودن آوینی را به وضوح می‌توان متوجه شد. از نظر او غرب تا مغز استخوانش پوسیده است و تولید هر فکر و هنر نیازمند یک تحول اساسی است تا بتواند قابلیت مطرح شدن پیدا کند. او می‌گوید: «بنده معتقدم برای فیلم‌های خارجی تا آنگاه که یک انقلاب بزرگ فرهنگی در آنجا رخ نداده است باید فقط در محدوده تکنیک فیلم به نقادی پرداخت، چرا که اصولاً غربی‌ها حرفی برای گفتن ندارند». یاد جایی دیگر می‌گوید: «روشنفکرجماعت تعلقی به شرق و ساختار عارفانه آن ندارد. آدم‌های سطحی که به جلد کتاب‌ها و نام‌شان بیش‌تر از خود کتاب اهمیت می‌دهند. آنها معتاد به سطح هستند و هر چه سطحی است با سطحی‌نگری و روشنفکری ارتباط دارد». او در تحلیل‌های خود فیلم «هامون» ساخته «مهرجویی» را نمونه کامل روشنفکری می‌داند.

آوینی برای آگاه کردن منتقدانی که «هامون» را یک اثر دینی می‌دانند، شخصیت هامون، ارتباط با همسر و محیط اطرافش را تحلیل می‌کند: «سراسر فیلم حکایت از آن دارد که هم هامون و هم صورت واقعی آن مهرجویی آ گرفتار ظاهربینی روشنفکری شده‌اند، آقای هامون نوعی از روشنفکری را نفی و نوعی دیگر را اثبات می‌کند، روشنفکری‌ای که خود او به آن گرفتار شده خطرناک‌تر است». آخرین مقاله، فصل کتاب که مفصل هم هست، به طور کامل یک فیلمساز کلاسیک معتبر سینمای جهان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این مقاله با عنوان «عالم هیچکاک»، تفسیری جامع درباره ویژگی فیلم‌های آلفرد هیچکاک، نسبت سینما و ادبیات در آثار وی، معنای راز در قصه‌هایی که او تعریف می‌کند و مفهوم «گناه، ترس، وسوسه و معما در فیلم‌های او است.

و جلد سوم آینه جادو:

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است که در بخش اول به مسائلی با محوریت ماهیت

نگاهی به مجموعه ۳ جلدی آینه جادو

سئانس ویژه

- عطیه توسلی

سینما پرداخته شده است. بخش دوم کتاب حاوی ۲ مقاله و یک گفت‌وگو درباره فیلم‌سازی مستند است و بخش سوم آن نکات تازه و قابل تاملی درباره سینماست. ۲ مقاله ابتدای کتاب با عناوین «سینما و مردم» و «کدام سینما؟» به طرح مباحثی جدی درباره اهمیت مخاطب در سینما و بی‌اعتنایی سینمای روشنفکری به مقوله جذابیت می‌پردازد. سپس به «سینما، مخاطب» می‌رسیم که حاوی متن سخنرانی جنجالی وی در سمینار «بررسی سینمای پس از انقلاب» است. آوینی در این فصل مسائلی را که طی مدت فعالیت روزنامه‌نگاری خود در مجله سوره عنوان کرده بود، به شکل دیالکتیک مطرح می‌کند. بخشی از این مسائل، پاسخ‌های کتبی به نامه‌های اعتراض‌آمیزی است که در همان سمینار خطاب به او نوشته شده بود. این پرسش و پاسخ‌ها علاوه بر آنکه جذابیت نوعی نموداری، آخرین عقاید آن شهید درباره سینما، روشنفکری، عرفان‌زدگی و هنر مدرن محسوب می‌شوند. «سینما هنر محض نیست» این مقاله با نقد سیستم آموزشی دانشگاه‌ها شروع شده و بعد به ضرورت ایجاد مباحثی با محور فلسفه سینما در دانشگاه‌ها اشاره دارد و آن را یکی از اصلی‌ترین مسائلی مطرح می‌کند که در شکل‌گیری سینما به عنوان منشأ تحولات فرهنگی موثر است.

و مقاله «سینما، تکنولوژی» مصاحبه مجله فیلم با آوینی است که با محوریت ماهیت سینما و نحوه به‌کارگیری این صنعت گسرن، به عنوان هنری که دارای مولفه‌های ایرانی – اسلامی باشد، انجام شده است. «جایگاه فیلم کوتاه در سینمای ایران» نیز مصاحبه‌ای کوتاه است که آوینی در آن به شاخصه‌ها و تفاوت‌های فیلم کوتاه در قیاس با فیلم بلند اشاره کرده است. در مقاله «تکنیک در سینما» تعریفی از تکنیک ارائه می‌شود: «غلب از تکنیک در سینما تلقی یک مهارت فنی صرف دارند که به مضمون یا به قول امروزی‌ها «ایده» امکان ظهور و بیان می‌بخشد. تعریفی که اینان از تکنیک دارند، همان «ابزار» است، آنان تکنولوژی را نیز وسیله‌ای می‌دانند که می‌تواند در خدمت هر غایتی قرار آید. حال آنکه تکنولوژی با غایات معینی پدید آمده است و به تعبیر روشن‌تر، فرهنگی است که ششیت پیدا کرده و به صورت ابزار درآمده است… اما تکنیک سینما، حتی از همان نخستین مرحله که انتخاب یک طرح داستانی یا داستان‌گونه است، خود را منکشف می‌کند، هر چند اوج انکشاف تکنیک در مرحله‌ای است که فیلمنامه به فیلم تبدیل می‌شود.» ۳ مقاله «نگاهی دوباره بر روایت فتح»، «واقعیت در سینمای مستند» و «یک تجربه ماندگار» به نحوه ساخته شدن مجموعه برنامه‌ها و روایت فتح و مسائل فنی آن می‌پردازد. «سینما و هویت دینی دفاع مقدس»؛ او در این مقاله به تفاوت سینمای دفاع مقدس و سینمای جنگ می‌پردازد: «سینمای دفاع مقدس را نباید با سینمای جنگ یکسان دانست، سینمای جنگ ملزومات و ساختار خاص خود را دارد که سینمای دفاع مقدس هیچ‌یک از آنها را نمی‌پذیرد. از جمله تفاوت این دو رازتر در این است که سینمای جنگ، هم کشتن دارد هم کشته شدن، عین جنگ اما هم کشتن رزمندگان ما با دیگران فرق داشت و هم کشته شدن آنها، اینجا کسی برای لذت انتقام و خالی کردن گرفتگی‌های

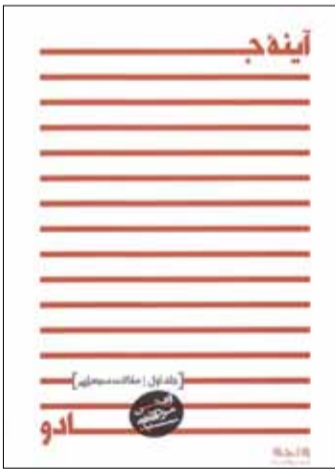
روحی شلیک نمی‌کرد و هنگام رفتن از این دنیا با حسرت از آن جدا نمی‌شد». آوینی در ادامه می‌گوید: «همه جنگ‌ها بد است مگر جهاد فی سبیل‌الله و لذا چون دفاع مقدس ما مسلخ و مقتل عشاق و عرصه حضور دلبران حق‌پرستی چون همت، خرازی و دیگران که از مقام خلیفه‌اللهی بشر دفاع می‌کردند، بوده است، سینمای دفاع مقدس ما با سینمای جنگ تفاوت‌های آشکار دارد و اگر این چنین نبود وظیفه سینماگران نیز آن بود که به جای مهاجر و دیده‌بان و سفر به جزایه، «غلاف تمام فازی» بسازند و نظام نهیلیستی ارتش‌های دنیا را به استهزا بگیرند. سینمایی را که اکنون در کشور ما خود را موقوف به جنگ کرده است، نباید مشمول عنوان کلی «سینمای جنگ» دانست و راستش، اگر جنگ ما نیز در زمره جنگ‌هایی بود که در این قرون اخیر که ره زمین رخ داده است، بنده خود از نخستین کسانی بودم که از نظر گاهی مخالف با جنگ فیلم می‌ساختم». و در آخر «گزارشی شتاب‌زده درباره سینمای پاکستان» که این مقاله گزارش سفر ۵۰ روزه آوینی به پاکستان است. او تناقضات فرهنگی این کشور را که بر اثر تلفیق سنت‌های دیرین پاکستان‌ها با فرهنگ وارداتی است بیان می‌کند

- حرف آخر

شهید آوینی را می‌توان یکی از متفکران دینی در عرصه سینمای ایران خواند که علاوه بر فعالیت‌های تجربی همچون روایت فتح، به حیظه نظریه‌پردازی هم وارد شده است. او کسی است که توانسته معارف اسلامی و جنبه‌های معنوی حرکت‌های انقلابی را در عرصه هنر ارائه کند. افراد زیادی نظرات و دیدگاه‌های آوینی را مورد نقد قرار داده‌اند ولی این نقدها را می‌توان کاملاً طبیعی دانست، چرا که او جزو اولین نفراتی است که نظر به‌پردازی‌هایش بدون ترجمه یا گرته‌برداری از کتاب‌ها و بی‌تایید غربی ارائه شده است. برای کسانی که پیشینه مذهبی دارند و می‌خواهند تخصصی وارد مباحث سینمایی شوند، مطالعه این سه جلد کتاب واجب و ضروری است.

پی‌نوشت

«سئانس» یا «سانس» در اصطلاح به معنای بازه زمانی است که یک فیلم در یک سالن سینما به نمایش درمی‌آید.



آینه جادو، مجموعه کتابی از سیدمرتضی آوینی

نیروهای انقلاب زد، همان استراتژی «بی‌آینده کردن انقلاب» را دنبال می‌کرد. این استراتژی در تئورهای بعدی از سوی منافقین تعقیب شد. اگر فرقان و منافقین می‌خواستند نظام نوپای اسلامی را فلج کنند، باید سریع نیروهای اجرایی که به مدیریت دولت موقت و ترکیبی از ملی‌گرایان و ملی – مذهبی‌ها بود، می‌شتافتند. اما برای آنان انقلاب اسلامی و حقیقت نظام دینی اهمیت داشت که در استراتژی‌های جبهه ملی و نهضت آزادی یافت نمی‌شد. همچنین جریان خط امام به‌رمز همه نار سایی‌های سال اول پیروزی انقلاب، درصدد بود اسلام و انقلاب اسلامی را در اهداف نظام جدید تثبیت کند که متفکران آن از سوی گروه‌های معارض به فیض شهادت نائل شدند. یکی از اعتقادات محوری گروه فرقان این بود که روحانیت باید جای خود را به روشنفکران بدهد. همچنین فرقایسم مدافع تر اسلام منتهای روحانیت بود. از سال ۴۲ که نهضت اسلامی به رهبری امام و روحانیون همراه و همفکر او پای در عرصه سیاسی نهاد، گروه‌های رقیب همواره به تضعیف و تخریب جریان اصیل روحانیت پرداختند که پیروزی انقلاب اسلامی طبیعتاً بر هجوم آنها افزود. به هر حال زنده ماندن نهضت و انقلاب اسلامی و حفظ پویایی و بالندگی آن معجزه‌های آشکار است که گروه‌های ناتوان سیاسی حاضر به درک و فهم آن نبوده و نیستند.***

منبع:برهان

۲ هجرت و ۲ جهاد

تعبیر دیگر از هجرت، دوری گزیدن از شهر گناه و تعبیر دیگر از جهاد، مبارزه با غول نفس است؛ آیا این تعبیر درست است یا نه؟ این تعبیر به نوعی درست است اما تفسیر انحرافی هم شده است. جمله «المهاجر من هجر السینات» «مهاجر کسی است که بتواند از سینات جدا شود» و نیز جمله «المجاهد من جاهد نفسه» «مجاهد کسی است که با نفس خویش مجاهده و مبارزه کند» را اولیای دین گفته‌اند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: جهاد اکبر جهاد با نفس است ولی اشتباه و انحراف در این است که بعضی به بهانه اینکه هجرت همان هجرت از گناهان و جهاد همان جهاد با نفس است، هجرت جسمانی و ظاهری و جهاد با دشمن خارجی را بوسیدند و کنار گذاشتند و گفتند به جای آنکه در مواقعی که لازم می‌شود، خانه و زن و بچه را رها کنیم، خویشاوندان و پدر و مادر را رها کنیم، شهر و دیار را رها کنیم و آواره شهرها شویم، در خانه می‌نشینیم و گناهان را رها می‌کنیم. پس ما هم مهاجر می‌شویم. دیگری گفت ما هم به جای آنکه زحمت مجاهده در راه خدا یا دشمنان دین را متحمل شویم، در خانه می‌نشینیم، سر به جیب مراقبت فروبرده با نفس خود جهاد می‌کنیم و از آنها هم بالاتریم. هجرت به معنی هجرت از سینات و جهاد به معنی جهاد با نفس را بهانه‌ای برای نفی هجرت و جهاد دیگر قرار دادند؛ که اشتباه است. اسلام ۲ هجرت دارد نه یک هجرت، ۲ جهاد دارد نه یک جهاد. هر وقت یکی را به بهانه دیگری نفی کردیم از تعلیمات اسلام منحرف شده‌ایم. اولیای دین ما، رسول اکرم(ص)، امام علی(ع) و انمه اطهار، مهاجر بودند به هر دو جنبه مهاجرت از نظر معنوی و روحانی هم یک درجاتی هست که آن درجات را جز از همین پلکان نمی‌شود بالا رفت. امکان ندارد انسانی، میدان جهاد را ندیده باشد ولی درجه مجاهد را پیدا کند یا انسانی، هجرت نکرده باشد ولی درجه مهاجر را پیدا کند. روان انسان اینطور است. بعضی عوامل هستند که تا انسان، کلاس آن را طی نکند، آن پختگی مخصوصی را که باید پیدا کند، پیدا نمی‌کند. مثلاً ازدواج از نظر اسلام از چند جنبه مقدس است. بر خلاف مسیحیت که تجرد در آن تقدس دارد، در اسلام، تاهل، تقدس دارد. چرا اسلام برای تاهل تقدس قائل است؟ یکی از موارد تقدسش جنبه تربیتی روح انسان است، یکی نوع پختگی و یک نوع کمال برای روح انسان هست که جز به وسیله تاهل پیدا نمی‌شود. یعنی اگر یک مرد با یک زن تا آخر عمر مجرد بماند ولو اینکه تمام عمرش را ریاضت بکشد، نماز بخواند، روزه بگیرد و تمام عمرش را به مراقبه و مجاهده با نفس بگذرانند، در عین حال یک نوع خامی در روح این آدم مجرد هست و علتش هم این است که متأهل نشده است؛ چه زن مجرد باشد چه مرد مجرد. این است که اسلام، تاهل را سنت می‌داند

و یکی از جهات آن تأثیر در تربیت و پختگی روح انسان است. ممکن است بعضی اشخاص بگویند ما اگر متأهل نیستیم، ولی بالاخره به حال عزیمت باقی نمی‌مانیم. نه! مساله تاهل، اختیار همسر کردن، متعهد شدن در مقابل سه همسر و بعد متعهد بودن در مقابل فرزندان است که روح انسان را پخته و کامل می‌کند، چیز دیگری جانشین آن نمی‌شود. عواملی که در تربیت انسان مؤثر است، هر کدام به جای خود مؤثر است و هیچکدام جای دیگری را نمی‌گیرد. هجرت و جهاد هم عواملی هستند که چیز دیگری جای آنها را نمی‌گیرد. جهاد با نفس سسر جای خود محفوظ است. هجرت از سینات همچنین اما هجرت عملی چیزی است که هجرت از سینات جای آن را بر نمی‌کند. جهاد با دشمن هم چیزی است که جهاد با نفس، جای آن را بر نمی‌کند و جهاد با دشمن هم جای جهاد با نفس را بر نمی‌کند. این است که اسلام هر دو را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

منبع:استاد شهید مرتضی مطهری /آزادی معنوی

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور





@vatanemrooz

در شبکه‌های اجتماعی